

کاش حامیان دیروز صدام درس می‌گرفتند



طولانی‌ترین جنگ کلاسیک قرن بیستم ۳۹ سال پیش در چنین روزی آغاز شد؛ جنگی که چاشنی شعله‌ور شدنش جاه‌طلبی یک رهبر خودکامه بود هیزمش وعده‌های پشت پرده به "ابو عدی" که تو دوران طلایی اعراب را باز می‌گردانی اما نهایتش شد ویرانی برای دو همسایه، بیماری مزمن ناامنی در منطقه و البته تبدیل شدن خاورمیانه به بازار اصلی برای سلاح‌های غرب.

طولانی‌ترین جنگ کلاسیک قرن بیستم ۳۹ سال پیش در چنین روزی آغاز شد؛ جنگی که چاشنی شعله‌ور شدنش جاه‌طلبی یک رهبر خودکامه بود هیزمش وعده‌های پشت پرده به "ابو عدی" که تو دوران طلایی اعراب را باز می‌گردانی اما نهایتش شد ویرانی برای دو همسایه، بیماری مزمن ناامنی در منطقه و البته تبدیل شدن خاورمیانه به بازار اصلی برای سلاح‌های غرب.

به گزارش ایسنا، تجاوز عراق به خاک ایران در سپتامبر ۱۹۸۰ میلادی (شهریور ۱۳۵۹) آغاز شد؛ جنگی تحمیلی برای ایران که رکورددار "طولانی‌ترین جنگ کلاسیک قرن گذشته" است و با وعده‌های پشت پرده غرب و پشتیبانی سخاوتمندانه کشورهای عربی از صدام حسین و البته با گرایش‌های تند پان عربیسم آغاز شد تا انقلاب نوپای ایران را از پای ببرد اما در پایان این آمریکا و غرب بودند که مثل همیشه میوه جنگ را چیدند و در طول چندین دهه خاورمیانه به بازار اصلی برای سلاح‌های آنها تبدیل شد؛ مساله‌ای که شاید صدام آنگاه که در میان قهقهه سربازانش اولین توپ را به سمت ایران شلیک کرد و حکام عرب منطقه وقتی که بر طبل جنگ می‌کوبیدند، هیچگاه به آن فکر نکردند.

این آمریکا و غرب بودند که مثل همیشه میوه جنگ را چیدند و در طول چندین دهه خاورمیانه به بازار اصلی برای سلاح‌های آنها تبدیل شد؛ مساله‌ای که شاید صدام آنگاه که در میان قهقهه سربازانش اولین توپ را به سمت ایران شلیک کرد و حکام عرب منطقه وقتی که بر طبل جنگ می‌کوبیدند، هیچگاه به آن فکر نکردند.

حمایت‌های پشت پرده و بعدها علنی غرب و دلارهای نفتی اعراب یکی از مشوق‌های اصلی دیکتاتور عراق برای آغاز و تداوم جنگ بود؛ دلارهایی که البته ۱۰ سال بعد به شکل موشک و تانک و گلوله به سوی حامیان دیروز و دشمنان وقت صدام بازگشت و هم زمینه سقوط بیش از پیش صدام را فراهم کرد و هم کشورهای عرب منطقه را به عرصه ناآرامی و بازاری جذاب برای صلاح‌های آمریکایی بدل کرد.

نگرانی کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس از نفوذ معنوی انقلاب اسلامی ایران و همچنین احتمال وقوع انقلاب و خیزش‌های مردمی در این کشورها و از طرفی دیگر اظهارات مقامات آمریکایی مبنی بر اینکه پیروزی ایران در جنگ می‌تواند موازنه قدرت در منطقه را به طور کامل تغییر دهد، باعث حمایت بی‌حدوحساب اعراب از صدام شد؛ در واقع کشورهای عربی منطقه پیروزی ایران در جنگ با صدام را یک خطر وجودی برای خود می‌دانستند و از طرف دیگر آمریکا به هیچ عنوان خواهان برتری ایران در منطقه نبود. البته در کنار همه این دلایل، انگیزه‌های ناسیونالیستی برخی کشورهای عربی در حمایت از رژیم صدام را هم نمی‌توان بی‌تاثیر دانست.

با تمام این اوصاف چنین انگیزه‌هایی نمی‌توانست بهانه کافی برای شروع یک جنگ باشد و صدام برای آغاز به بهانه‌های دیگری هم نیاز داشت و ادعاهای مرزی می‌توانست دست‌آویز خوبی برای او باشد. اختلافات مرزی میان ایران و عراق در رابطه با اروند رود به زمان‌های بسیار دور یعنی زمان حکومت عثمانی‌ها بر عراق باز می‌گشت که در مارس ۱۹۷۵ میلادی با امضای توافق الجزایر میان صدام و محمد رضا پهلوی، این اختلافات تا حد زیادی -البته به دلیل شرایط آن دوران ایران- فروکش کرد اما حاکم جوان و جاه‌طلب عراق از ته دل از این توافق رضایت نداشت و معتقد بود که این توافق "ولو با جنگ" باید لغو شود و چهار سال بعد یعنی با پیروزی انقلاب اسلامی ایران، فرصت را برای پیاده کردن این نیت خود، مناسب دید.

مذاکرات محمدرضا پهلوی و صدام با میانجیگری هواری بومدین (وسط)، رئیس جمهور وقت الجزایر برای حل اختلافات

مرزی در آوریل همان سال طارق عزیز، معاون نخست وزیر عراق در مقابل درب ورودی دانشگاه المستنصریه مورد سوء قصد قرار گرفت که مقامات عراقی در آن زمان حزب الدعوه و جمهوری اسلامی ایران را به دست داشتن در این اقدام متهم کردند. در سپتامبر ۱۹۸۰ میلادی رژیم بعث عراق، ایران را به گلوله باران مناطق مرزی خود متهم و این مساله را آغاز یک جنگ خواند؛ در روز هفدهم همان ماه صدام بطور علنی در تلویزیون این کشور و در برابر دوربین خبرنگاران معاهده الجزایر را لغو کرد و مدعی شد که "شط العرب" به طور کامل جزئی از آب‌های منطقه‌ای عراق است، سرانجام چند روز بعد در روز بیست و دوم همان ماه صدام دستور حمله و تجاوز به خاک ایران را صادر کرد. بعثی‌ها با این تصور که ارتش ایران بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ضعیف شده است گمان می‌کردند که این جنگ محدود و کوتاه مدت خواهد بود؛ مساله‌ای که به خوبی از سخنان عزت الدوری، معاون صدام و فرد شماره دو رژیم بعث عراق پیداست که در یک نشست خبری در پایتخت ایتالیا گفت "جنگ ایران و عراق جنگ مرزها است و بیش از دو هفته طول نخواهد کشید."

زمانی که رژیم بعث عراق به ریاست صدام حمله به ایران را آغاز کرد، شرایط دو کشور با یکدیگر کاملاً متفاوت بود؛ با آغاز جنگ، انقلاب نوپای ایران هیچ حامی و پشتیبان خارجی نداشت این درحالی است که عراق با پشتیبانی جهانی وارد جنگ با ایران شده بود. این حقیقت برهیچ کس پوشید نیست که کمک‌های تسلیحاتی و اطلاعاتی کشورهای عربی به

عراق در جریان جنگ تحمیلی علیه ایران اگر از کمک های نظامی کشورهای غربی و اروپایی بیشتر نبود که کمتر نبوده است و به این کمک ها باید سیل دلارهای نفتی که این کشورها به سمت صدام جاری کرده بودند را نیز بیفزاییم. کشورهای عربی با دادن القابی چون "سردار و فاتح قادسیه"، "افتخار عرب" و "صلاح الدین ایوبی زمان" به صدام به کمک وی شتافتند و میلیاردها دلار کمک بلاعوض به حکومت بعث عراق تقدیم کردند. در ابتدای جنگ اردن بزرگ ترین حامی صدام بود زیرا روابط میان امان و بغداد بعد از نشست سران کشورهای عربی در بغداد بسیار مستحکم شده بود و ملک حسین، پادشاه وقت این کشور بطور علنی از صدام حمایت و علیه جمهوری اسلامی ایران موضع گرفت و با کمک های سیاسی، اقتصادی و نظامی فراوان از جمله دادن وام های چندمیلیون دلاری به عراق از صدام حمایت کرد. روزنامه انگلیسی گاردین در گزارشی اعلام کرد که ملک حسین پادشاه وقت اردن، حدود پنج هزار نفر از نیروهای خود را به عراق اعزام کرد تا وظایف امنیت داخلی را به عهده بگیرند و سازمان عاقله، پایتخت، به حمله جنگ با امان آزاد باشند. صدام به همراه ملک حسین، پادشاه وقت اردن

کویت نیز یکی از حامیان اصلی صدام در جنگ تحمیلی علیه ایران بود که البته دود این حمایت های "سخت و تمندانه" خیلی زود به چشم خودشان رفت. این کشور نه تنها خاک و پایگاه هوایی خود را در اختیار عراق گذاشت بلکه سفیر کویت در آمریکا، اذعان کرد که کشورش در آن دوران ۱۴ میلیارد دلار کمک نقد و بیش از ۱۶ میلیارد دلار کمک خدماتی و لجستیکی در اختیار صدام قرار داده است. بر اساس برخی آمارها امارات یک میلیارد دلار و قطر پانصد میلیون دلار تا اواخر سال ۱۹۸۱ میلادی به عراق کمک کردند.

بزرگ ترین و جدی ترین حامی صدام در جنگ با ایران اما عربستان سعودی بود؛ ملک خالد، پادشاه وقت سعودی در گفت و گویی تلفنی باصدام در ۲۵ سپتامبر سال ۱۹۸۰ میلادی رسماً حمایت کشورش از عراق را اعلام کرد. بنابر گزارش های اطلاعاتی، دو کشور کویت و عربستان در مجموع ۲۵ تا ۵۰ میلیارد دلار را به صورت قرض یا وام بلاعوض در اختیار عراق قرار دادند. ابوغزاله، معاون اسبق رییس جمهور و وزیر دفاع مصر می گوید: "تنها کویت و عربستان بیش از ۶۰ میلیارد دلار به عراق کمک کردند." ملک فهد پادشاه عربستان در دوران جنگ نیز در سخنانی اظهار کرده بود "اگر عراق می گوید نسوهایش را فدا کرده است، ما نیز با پول، سلاح های شش فته و همکاری پس المللیه، در این فداکاری سهمیه نموده ایم." صدام در حال دریافت هدیه معروف (کلاشنیکف با روکش طلا) از ملک فهد، پادشاه وقت عربستان عربستان را باید جدی ترین حامی عربی عراق در دوران جنگ محسوب کرد به طوری که بنا به گفته کارشناسان مطلع از روند جنگ ایران و عراق، از مجموع کمک های مالی هفتاد میلیارد دلاری کشورهای حوزه خلیج فارس به عراق در زمان جنگ با ایران، بیش از سی میلیارد دلار را عربستان با دست و دل بازی پرداخته بود.

مصر نیز جزو کشورهای عربی حامی صدام بود. بعد از ترور انور سادات، حسنی مبارک منصب ریاست جمهوری مصر را برعهده گرفت، وی در اوایل حکومتش، به ظاهر تمایل چندانی برای شرکت مصر در جنگ ایران و عراق از خود نشان نداد و در مصاحبه ای اعلام کرد "مصر مخالف جنگ دو کشور مسلمان منطقه بوده و خواهان حل مسالمت آمیز مشکلات موجود است. من امیدوارم مصر نقش میانجی را برای حل مشکل موجود ایفا کند. من نمی دانم دلیل متهم شدن ما به طرفداری از عراق در جنگ چیست؟ ما هرگز سلاح تهاجمی در اختیار عراق قرار نداده و نمی دهیم. برخلاف تصور دیگران، ما هیچ نیروی نظامی در عراق نداریم."

با وجود گفته های عوام فریبانه و به ظاهر بی طرفانه حسنی مبارک، رویدادهای بعدی جنگ و پیروزی های ایران باعث شد مصر دخالت های خود به نفع عراق در جنگ را علنی کند. در سال ۱۹۸۲ میلادی همکاری های نظامی مصر با عراق در سطح بالایی گسترش یافت و یک سال بعد مبارک و ملک حسین، پادشاه وقت اردن باهم به بغداد سفر کرده و درباره نیازهای تسلیحاتی عراق با صدام مذاکره کردند، این دو برای اثبات حمایت کامل خود از صدام، پس از حمله ایران به فاو

نیز با دیگ به طره مشتک به بغداد سفار کردند. از راست به چپ: حسنی مبارک رئیس جمهور وقت مصر، صدام و ملک حسین، پادشاه وقت اردن
میسر الشمری، روزنامه نگار سعودی که مراحل مختلف جنگ ایران و عراق را مستند کرده معتقد است که حمایت کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس از عراق، پس از سال ۱۹۸۴ میلادی یعنی زمانی که نیروهای ایرانی توانستند بغداد را در تیررس سلاح های خود قرار دهند، به شکل قابل توجهی افزایش یافت و جنبه رسمی و علنی به خود گرفت. مصطفی العانی، مدیر پژوهش های امنیتی و دفاعی مرکز پژوهش های "الخلیج" امارات نیز در می گوید: پس از ورود ایران به خاک عراق و سنگینی کفه ترازوی جنگ به نفع تهران، کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس به شدت احساس خطر کرده و کمک های خود به عراق را افزایش دادند.

سودان، یمن، بحرین، عمان، مراکش و سومالی نیز از حامیان صدام در جنگ تحمیلی علیه جمهوری اسلامی ایران بودند و گرچه بیشتر آنها پولی برای دادن به عراق نداشتند اما در فرستادن نیروهای رزمی و اطلاعاتی و حتی ادوات نظامی خود به عراق کوتاهی نمی کردند.

سرانجام جنگ ایران و عراق در اوت ۱۹۸۸ میلادی با به جای گذاشتن خسارت های بی شمار به پایان رسید. کارشناسان اقتصادی خسارت های مستقیم این جنگ را بیش از ۴۰۰ میلیارد دلار تخمین زدند اما "پیر رازو"، رئیس موسسه تحقیقات استراتژیک در پاریس فرانسه در کتاب "جنگ ایران و عراق"، میزان خسارت های وارده به هر دو کشور را بیش از هزار میلیارد دلار برآورد کرده است. این نویسنده و پژوهشگر فرانسوی در باب اهمیت جنگ ایران و عراق می نویسد: "نمی توان اوضاع سیاسی خاورمیانه و منطقه خلیج فارس را بدون آگاهی از جنگ ایران و عراق درک کرد و تأثیر این جنگ بر خاورمیانه همچون تأثیر جنگ جهانی اول بر اروپاست."

آمارهای متفاوتی در رابطه با میزان حمایت های مالی کشورهای عربی از صدام در تجاوز به ایران وجود دارد؛ برخی این

حمایت ها را ۵۰ میلیارد دلار، برخی ۶۰، برخی ۱۰۰ و برخی حتی گفته اند کمک به صدام تا ۲۰۰ میلیارد دلار نیز رسیده است. گفته می شود سطح کمک ها در آن زمان تا حدی بوده که حتی آمریکایی ها را نیز نگران کرده و آنها به کشورهای عربی هشدار داده اند که صدام از این میلیاردها پول علیه حامیان خود استفاده خواهد کرد. کمتر از دو سال بعد از پایان جنگ تحمیلی این مساله محقق شد و صدام با سلاح های مدرنی که با پول کویت، عربستان، اردن و دیگر کشورهای عربی دریافت کرده بود کویت را اشغال کرد.

ارتش صدام در دوم اوت ۱۹۹۰ میلادی حمله به کویت را آغاز کرد و تنها طی دو روز یعنی در چهارم آگوست تمام خاک این کشور را اشغال کرد. رئیس جمهور جاه طلب عراق پنج روز بعد یعنی در نهم همان ماه اعلام کرد که کویت جزئی از خاک عراق به شمار می رود. حمله صدام به کویت که به جنگ دوم خلیج فارس معروف شد ۷ ماه طول کشید و سرانجام در ۲۶ فوریه ۱۹۹۱ میلادی با دخالت آمریکا و غرب به پایان رسید. در این زمان بسیاری از مقامات عالی رتبه کویتی از جمله

شیخ جابر الاحمد الصباح، امیر وقت کهیت و شیخ سعد العبدالله الصباح، ولیعهد وی به عربستان فرار کرده بودند. تصاویری از تجهیزات و ادوات نظامی صدام که در جریان حمله کویت به دست آمریکا و متحدانش نابود شد صدام در آن زمان به اشغال کویت اکتفا نکرد و برای ارضای روحیه جاه طلبانه خود در ۲۹ ژانویه ۱۹۹۱ میلادی منطقه الخفجی عربستان را نیز در مدت هرچند کوتاهی اشغال کرد که به "نبرد الخفجی" معروف شد، در این نبرد نیروهای آمریکایی، انگلیسی و حتی قطری به کمک عربستان آمدند و توانستند پس از چند روز درگیری سخت این منطقه را آزاد کنند.

ورودی منطقه الخفجی عربستان که به دست صدام اشغال شد رئیس جمهور جاه طلب عراق در جنگ خلیج فارس ۲ به جز اشغال منطقه الخفجی عربستان ۴۳ موشک اسکاد نیز به مناطق مختلف این کشور خصوصا ریاض و طهران شلیک کرد که البته عربستان در آن دوره سامانه های پاتریوت از آمریکا دریافت کرده بود و توانست ۲۲ موشک صدام را منهدم کند و تنها ۲۰ فروند به هدف خوردند.

دشمن انگاری برخی کشورهای عربی در قبال ایران ریشه در جنگ تحمیلی دارد که آغاز کنندگان آن هیچگاه به اهداف پشت پرده غربی ها توجه نکردند و شد آنچه که اکنون شاهد آن هستیم؛ نهادینه شدن این تصور که امنیت را باید خرید. جنگی که با توطئه غرب و البته طمع ورزی صدام و خیال خوش حکام عرب منطقه آغاز شد، تا به امروز هم دست از سر منطقه بر نداشته و در واقع دشمن انگاری برخی کشورهای عربی در قبال ایران ریشه در همین جنگ دارد که آغاز کنندگان آن هیچگاه به اهداف پشت پرده غربی ها توجه نکردند و شد آنچه که اکنون شاهد آن هستیم؛ نهادینه شدن این تصور که امنیت را باید از خارج از منطقه خرید.

محمد جواد ظریف، وزیر امور خارجه کشورمان هم اخیرا به این مساله اشاره ای داشت؛ او با اشاره به اینکه مبنای نوع ارتباط در روابط بین الملل گاهی وابستگی است، گفت: گروهی از کشورها، آینده پیشرفت و امنیت خود را در گرو وابستگی می دانند و حتی تصور می کنند این امنیت قابل خریداری است و فکر می کنند با پرداخت پول و خرید اسلحه می توانند امنیت خود را حفظ کنند، اما از تاریخ درس نمی گیرند. مگر عربستان ۷۵ میلیارد دلار در اختیار رژیم صدام قرار نداد که با مردم ایران مبارزه کند و آنان را به خاک و خون بکشد؟ چرا نفهمید که پول امنیت نمی آورد. پس از آن مرحله، صدام همان سلاح ها را علیه خودشان بازگرداند و نگران همان سلاح هایی شدند که خودشان در اختیار صدام قرار داده بودند، اما هنوز هم عبرت نمی گیرند.

درس گرفتن از تاریخ مساله ای است که متاسفانه بسیاری از زمام داران منطقه از آن غافلند، خیلی ها زود فراموش می کنند که آمریکا به ویژه با رهبری ترامپ جز منافع خود و کشورش چیزی برایش مهم نیست، خیلی ها زود فراموش می کنند که تشویق و تحریک یک دیکتاتور جوان و جاه طلب به جنگ می تواند برای تمام منطقه فاجعه به بار آورد، خیلی ها زود فراموش می کنند که امنیت وارداتی نیست و باید در یک تعامل منطقه ای با آن دست یافت.